

بررسی تطبیقی خاستگاه تاریخی پیدایش دو مکتب تفکیک و اخباریگری

جعفر نکونام^۱

شهربانو حاجی‌امیری^۲

چکیده

نوشتار حاضر در مقام بررسی تطبیقی خاستگاه تاریخی پیدایش دو مکتب تفکیک (مکتب معارفی خراسان) و اخباری است. این نوشتار به مثابه پیش‌نیاز و مقدمه‌ای در بررسی مقارنه‌ای مبانی تفسیر قرآن نزد دو مکتب تفکیک و اخباری می‌باشد. برخی مقالات تحقیقی، در سالهای اخیر، مکتب تفکیک را نو اخباریگری نامیده و ادعا می‌کنند این مکتب همان اخباریگری قرن یازدهم است که دیگر بار در قرن چهاردهم در لباسی نو رُخ نموده است. مقاله حاضر پیش از پرداختن به مبانی تفسیری این دو مکتب، بسترهای احتمالی پیدایش آنها را مورد تحلیل قرار می‌دهد تا در پرتو این شناخت صحیح، راه بررسی تطبیقی این مبانی، هموار گردد. حاصل پژوهش حاضر این است که دو مکتب تفکیک و اخباری با رویکرد حفاظت از منابع اصیل و حیاتی در مقطعی از تاریخ تفکر شیعی و برای مقابله با افراط گرانی به منصفانه ظهور رسیدند که تقریباً کل کتاب و سنت را وا نهاده و به مباحث فلسفی و کلامی روی آورده بودند. در واقع روح حاکم بر پیدایش دو مکتب بسیار مشابه بوده؛ اما به طور ظاهری برخی عوامل مؤثر در بروز این دو مکتب، متفاوت بوده است.

کلید واژه‌ها: مکتب تفکیک، محمدرضا حکیمی، اخباریگری، خاستگاه، اخباریان.

۱- بیان مسئله

در این نوشتار برای اولین بار به بررسی مقارنه‌ای بسترهای پیدایش دو مکتب تفکیک و اخباریگری پرداخته می‌شود و تأثیرپذیری احتمالی مکتب تفکیک از مکتب اخباری مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. سئوالی که در این نوشتار پاسخ داده می‌شود، این است که خاستگاه این دو مکتب چه بوده است؟ آیا مکتب تفکیک خاستگاه متمایزی از مکتب اخباری داشته یا به واقع دنباله رو مکتب اخباری به شمار می‌رود؟ وجه اهتمام به این سؤال این است که از باب مقدمه در بررسی تطبیقی مبانی تفسیری دو مکتب نیاز است که با بسترهای پیدایش آن دو نیز آشنا شویم همچنین میان این دو مکتب از نظر اهتمام ویژه به روایات و اخبار معصومین شباهت‌های بسیاری است، لذا این موضوع اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم، آیا مکتب تفکیک به واقع دنباله‌رو مکتب اخباری است یا مکتب مستقلی به شمار می‌آید؟!

۲- پیشینه بحث

در برخی کتب و مقالات تحقیقی که درباره شخصیت‌های اخباری و آثارشان به نگارش درآمده، به اجمال، اشاراتی به عوامل ظهور مکتب اخباری شده است. همچنین در برخی کتب جریان‌شناسی مانند جریان‌شناسی فکری فرهنگی ایران معاصر تنها به معرفی مکتب تفکیک پرداخته شده است، بدون اینکه به طور مستقیم خاستگاه تاریخی پیدایش آن دو مورد بررسی قرار گیرد و البته در هیچ یک از آن‌ها به طور تطبیقی به بررسی خاستگاه پیدایش دو مکتب پرداخته نشده است.

پژوهش حاضر از این جهت اهمیت دارد که نتیجه آن می‌تواند پایه‌ای برای تبیین دقیق مبانی تفسیری دو مکتب در مقام تطبیق و مقایسه باشد. در قدم نخست به معناشناسی اصطلاح اخباری و تفکیک می‌پردازیم. سپس به طور تطبیقی خاستگاه پیدایش دو مکتب را بررسی می‌نماییم.

۳- معناشناسی اصطلاح "اخباری"

متاخران امامیه به دو دسته معتزله^۱ و اخباریه تقسیم می‌شوند و اخباریه آن دسته‌ای هستند که به ظواهر احادیث متشابه اعتقاد داشته و آن را حجت می‌دانند. (تهانوی، ۹۳/۱) در فقه متاخر امامی گروهی که به پیروی از اخبار و احادیث اعتقاد دارند و روش‌های اجتهادی و اصول فقه را نمی‌پسندند، اخباری نامند و در مقابل آنان فقیهان هوادار اجتهاد قرار می‌گیرند که به عنوان اصولی شناخته می‌شوند. بدون لحاظ عنوان‌های "اخباری" و "اصولی" تقابل این دو نگرش به فقه امامی ریشه در سده‌های نخستین اسلامی دارد. در مطالعه جناح‌بندیهای مکاتب فقهی امامیه در سه قرن آغازین می‌توان جناح‌هایی را باز شناخت که در برابر پیروان متون روایت به گونه‌هایی از اجتهاد و استنباط دست می‌یازیده‌اند. (موسوی بجنوردی، ۱۶۰/۷)

البته قابل ذکر است، شیعه در عقاید به دو دسته تقسیم نشده است، که یکی از آنها اصولی و دیگری اخباری باشد؛ زیرا اخباری و اصولی در اصول عقاید و همین‌طور در همه فروع با هم مشترک هستند و اختلاف آنان فقط در منهج علمی و طریقه وصول به حکم شرعی می‌باشد.

مکتب اهل حدیث در اوائل قرن یازدهم هجری بار دیگر به وسیله محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۳ یا ۱۰۳۶ ه. ق) در قالبی نو مطرح و احیا شد. وی در این مرحله با سامان دادن مکتب اهل حدیث، بر مکتب اصول‌گرایی سخت حمله کرد و بدین ترتیب، دوره نوینی از تقابل دو مکتب یاد شده در حوزه فقهات شیعی پدید آمد و در حقیقت، رواج و اطلاق عنوان «اخباری» بر گروهی از فقها با مفهوم و اصطلاح خاص و امروزی، از همین دوران و با ظهور استرآبادی آغاز شده است. (هاشمی شاهرودی، ۳۰۱/۱-۳۰۲)

یکی از بزرگان مکتب تفکیک در تحلیل ظهور مکتب اخباری معتقد است، در طول

۱. اطلاق معتزله بر گروه‌های امامی مرسوم نیست و مکتب مقابل اخباری یا اخباریگری را در شیعه اصولیان یا اصولیگری می‌نامند.

تاریخ اسلام - به جز جریانی از محدثان اهل سنت (داود ظاهری اصفهانی - م ۲۷۰ ق و پیروانش) و جمودگرایان حنبلی - برخی از فاضلان شیعه نیز از فهم اجتهادی اخبار و اصول استفاده از آنها سر باز زدند، و به فهم غیرعلمی و غیرتطبیقی و غیرجمعی آنها پرداختند. و از اینجا در رجوع به اخبار و استفاده از آنها، مکتب اخباری پدید آمد. وی مکتب اخباری را یک مکتب کلامی یا معارفی نمی‌داند بلکه آن را مربوط به فقه و احکام فقهی می‌داند. (حکیمی، اجتهاد و تقلید در فلسفه ۱۲۳) قابل ذکر است پیرامون سیر تحول مفهومی واژه "اخباری" تحقیقات علمی خوبی انجام شده که پرداختن بدان از مجال کاری این نوشتار خارج است. (نک: ایزدی مبارکه، ۱۴۸-۱۵۳)

در مجموع مراد از «اخباری» در نوشتار حاضر، گروهی هستند که به زعامت محمد امین استرآبادی در قرن یازدهم تشکیل شده و تا عصر آیه‌الله وحید بهبهانی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. این گروه به پیروی از اخبار و احادیث اعتقاد دارند و روش‌های اجتهادی و اصول فقه را نمی‌پسندند.

ع- معنانشناسی اصطلاح "تفکیک"

"تفکیک" در لغت به معنای جداسازی و ناب‌سازی و خالص کردن است. مکتب تفکیک، مکتب جداسازی سه راه و روش معرفت و سه مکتب شناختی در تاریخ شناخت‌ها و تأملات و تفکرات انسانی است، یعنی راه و روش قرآن، فلسفه و عرفان. (حکیمی، مکتب تفکیک، ۴۶-۴۷) مهمترین اصل این مکتب عبارت است از جداسازی و تفاوت‌گزاردن میان مفاهیم و اصطلاحات بشری و معارف خالص الهی (صدرحاج سید جوادی و دیگران، ۸/۵)

"تفکیک" در مکتب تفکیک به معنای تفکیک کامل دین، فلسفه و عرفان است. بدین معنی که دین فلسفه نیست، فلسفه عرفان نیست، و هیچ کدام از این‌ها دیگری نیست. این‌ها سه جریان متفاوت هستند که نباید خلط شوند. (ابراهیمی دینانی، ۲۹۸-۲۹۹)

مکتب تفکیک یکی از زیر مجموعه‌های جریان سنتی به شمار می‌آید. گفتمان دین پژوهی تفکیک با تفکری خاص، توسط برخی از روحانیون برجسته سنتی در منطقه جغرافیایی خراسان تأسیس و توسعه یافت. میرزامهدی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ق)، شاگرد برجسته علامه نائینی، در سال ۱۳۴۰ ق در مشهد، در صدد طرح مباحث اعتقادی و معرفت اسلامی خالص و ناب برآمد و در این میان توانست باب جدیدی از تعارض میان عرفان و فلسفه با معارف اسلامی را بگشاید و عالمان برجسته‌ای تربیت کند. بعد از وفات میرزا، شاگردانش با ارائه تقریرات و کتابهای استاد به یک جریان فکری تبدیل شدند (خسرویناه، ۲۷)

براساس آنچه گذشت، می‌توان گفت: مکتب تفکیک همان مکتب معارفی و شناختی شیعی و ایمان داشتن به غنای این مذهب و مکتب و مرزبانی و پاسداری تاریخی نظام معرفتی آن در ابعاد اعتقادی و فقهی و اخلاقی است. به ویژه حفظ خلوص معارف اعتقادی تشیع، به دور از در آمیختگی با مذاهب غیراسلامی و غیر شیعی و نحله‌های فلسفی و عرفانی قدیم و جدید. (علی ملکی میانجی، ۲۶۹)

نخستین بار اصطلاح "مکتب تفکیک" را محمدرضا حکیمی در سال ۱۳۷۱ش در مجله کیهان فرهنگی برای مکتب معارفی خراسان پیشنهاد داد و پس از آن این اصطلاح رواج یافت (حکیمی، مکتب تفکیک، ۱۵).

وی این عنوان را الهام گرفته از "بیان الفرقان" شیخ مجتبی قزوینی می‌داند. (حکیمی، مکتب تفکیک، ۱۶۰) البته نباید از نظر دور داشت که عالمان این مکتب، خود را متعلق به چنین مکتبی نمی‌دانند و زمانی که ناچارند آرای خود را با استفاده از اصطلاحات معمول بیان نمایند، ترجیح می‌دهند از نام سنتی‌تر «مکتب معارف اهل بیت» استفاده کنند. اصلی‌ترین علمای این مکتب (مثلاً حافظیان، میانجی و تهرانی) عنوان یاد شده را بیش‌تر ترجیح می‌دهند؛ چرا که از نظر آن‌ها این عنوان، ویژگی تفرقه‌آمیز کم‌تری دارد و به آنان این امکان را می‌دهد تا عقاید شیعی خود را در روند کلی مباحث بیان کنند. البته اکنون عنوان «مکتب تفکیک» نام رایج این مکتب شده است و طرفداران و مخالفان، هر دو این اصطلاح را به کار می‌برند. (محمدباقر ملکی میانجی، ۱۵)

بزرگان مکتب تفکیک معتقدند دو معنای عام و خاص از مکتب تفکیک اراده می‌شود؛ در معنای عام، حامیان این مکتب، همه متکلمان و محدثان و فقهاء و مفسران و اخلاقیون و اصولیونی هستند که در مقابل آراء مهم فلسفی و عرفانی (همچون علیت ضروری، وحدت وجود، سنخیت خالق و مخلوق و) موضع‌گیری کرده‌اند. در معنای خاصی که از مکتب تفکیک اراده می‌شود، این مکتب مشتمل بر آراء بزرگان معارفی خراسان است که در سده چهاردهم هجری شکل گرفت، و نهضتی علمی و عقلی را در راه احیای معارف اعتقادی شیعی و اسلامی گستراند. (حکیمی، الهیات الهی و الهیات بشری، ۳۳۲)

۵- بررسی تطبیقی خاستگاه تاریخی پیدایش دو مکتب

حاصل مجموع بررسی‌های انجام شده درباره بسترهای ظهور و بروز دو مکتب این نتیجه شد که هر یک از دو مکتب، تحت تأثیر فضای موجود در جامعه پیرامونی خویش و در موضع‌گیری‌های انتقادی به برخی جریان‌های رایج روز، ظهور و بروز یافتند. در این بخش احتمالات مطروحه پیرامون خاستگاه پیدایش دو مکتب به‌طور تطبیقی ارائه می‌شود.

۵-۱. احتمالات سلبی و انتقادگرایانه در ظهور دو مکتب

در این بخش احتمالات سلبی و انتقادگرایانه‌ای را که درباره ظهور دو مکتب اخباری و تفکیک در دایره تفکرات اسلامی مطرح است، از نظر می‌گذرانیم.

۵-۱-۱. احتمالات سلبی و انتقادگرایانه در ظهور مکتب اخباری

در این دسته برخی از احتمالاتی که به صورت سلبی پیرامون ظهور مکتب اخباری مطرح است، بیان می‌کنیم:

الف- ظهور مکتب اخباری با رویکرد انتقادی به مکتب حله: از منظر برخی صاحب‌نظران «اخباریه» در اصل نوعی بازگشت به متون دینی و دور شدن از خوانش‌های رسمی است و این جریان در انتقاد به تفکر، اندیشه و تک صدایی غالب در قرن‌های هفتم تا نهم هجری در مکتب حله شکل گرفته است.

البته ویژگی تک صدایی در مکتب حله به این دلیل بوده است که این مکتب رقیبی نداشته تا امکان شکوفایی بیشتری داشته باشد و لذا در طول فعالیت مکتب حله در قرن‌های هفتم تا نهم هجری با یک نوع پیشرفت تک بعدی مواجه هستیم. علمای اخباریه دوره صفوی مثل فیض کاشانی و محمد امین استرآبادی، این روند تک بعدی مکتب حله را مورد نقد قرار داده‌اند و معتقد بودند باید یک مقدار از پیچیدگی‌هایی که در جنبه‌های مختلف دین اعم از کلام، فقه، تفسیر و حوزه‌های دیگر در طی فعالیت مکتب حله، در دین اسلام افزوده شده، بزداایم و به یک خوانش خالص‌تر از مکتب امامیه دست پیدا کنیم. (نک: پاکتچی، ۱۴۰) این احتمال از احتمالات معتناهی است که از نظر تاریخی مستند است. (نک: کرکوش حلی، ج ۱ و ۲)

ب. ظهور مکتب اخباری با رویکرد انتقادی به وجهه سنی‌گری علم اصول:
شهید محمد باقر صدر، مهم‌ترین عامل پیدایش اخباریگری را پیدا شدن علم اصول بعد از عصر غیبت می‌داند. وی معتقد است از آن‌جا که اصول فقه به صورت علمی مدوّن، ابتدا در بین اهل سنت پیدا شد، اصول فقه شیعه نیز در بین اخباری‌ها وجهه سنی‌گری پیدا کرد؛ چنان‌که در مقابل آن بایستند. علت تقدّم زمانی اصول در بین اهل سنت، این است که آنان زودتر دچار فقدان نص شدند و به قواعد اصولی برای استنباط احکام شرعی، احتیاج پیدا کردند؛ ولی مشکل فقدان نص برای شیعیان، بعد از عصر غیبت پیدا شد. (نک: صدر، ۷۷)
برخی از اموری که سنی بودن تفکر اصولی را در ذهن اخباری‌ها تأیید می‌کرد، عبارت بود از:

۱. ابن جنید اسکافی (م ۳۸۱ ق) که از پیشگامان تدوین علم اصول شیعه است، در عمل به قیاس، با مذاهب اهل سنت موافق بود و این مؤیدی بود که اصول، صبغه و رنگ سنی دارد.
۲. بسیاری از اصطلاحات علم اصول، همان اصطلاحات اصولی اهل سنت بود؛ مانند اجتهاد و اجماع؛ در حالی که اختلاف جوهری و اساسی بین اصطلاحات اصولی شیعه و سنی وجود دارد.

۳. اخباری‌ها با استفاده از عقل در شریعت مخالف بودند و آن را حرکت انحرافی سنی‌ها می‌دانستند که خواسته‌اند با تکیه بر فکر خودشان و با «اجتهاد به رأی»، احکام شرع را بیان کنند. از این‌رو، جایگاهی که عقل در علم اصول و نقشی که اصولی‌ها برای عقل در استدلال‌های خود قائل بودند، زمینه‌ساز مخالفت با حرکت اصولی در بین شیعه بود؛ با این‌پندار که این، همان مسیر انحرافی اهل سنت است و باید مانند اصحاب ائمه، بدون نیاز به اصول، احکام را به دست آورد. (نک: همان، ۷۷-۸۱)

۱-۲. احتمالات سلبی و انتقادگرایانه در ظهور مکتب تفکیک

در این قسمت برخی احتمالات سلبی که در ظهور و بروز مکتب تفکیک نقش داشته‌اند، از نظر می‌گذرد:

الف- انتقاد و مبارزه با توطئه عدم مرجعیت دینی ائمه: در بیانات بزرگان تفکیک خاستگاه پیدایش مکتب تفکیک مبارزه با توطئه ای است که برای کنار نهادن مرجعیت علمی اهل بیت (ع) صورت گرفته است که در آن با گسترش علوم اسلامی از جمله کلام، فلسفه و عرفان، عمده مسلمانان از تفکر توحیدی و راهنمایی اهل بیت (ع) دور شدند.

بزرگان تفکیک معتقدند کسی که آشنا به سیاست خلفا باشد، همچون خورشید برایش روشن خواهد شد که علتی برای ترجمه فلسفه یونانی و ترویج مذهب صوفیه، که ریشه آن نیز یونانی است، نبود، مگر سیاست غلبه بر علوم اهل بیت: و بی‌نیاز کردن مردم از ایشان. (نک:

ابراهیمی دینانی، حکیمی و دیگران، ۱۸۳؛ از مقاله «مکتب تفکیک در بوته‌ی نقد» از لاریجانی)

ب- انتقاد به فلسفه و عرفان در اثر سرخوردگی روحی میرزامهدی اصفهانی عاملی برای ظهور مکتبی جدید با عنوان مکتب تفکیک: در بررسی تاریخچه مکتب تفکیک به شخصیت میرزامهدی اصفهانی مؤسس این مکتب می‌رسیم. افعال و احوال روحی این شخصیت در ظهور و بروز این مکتب تاثیرگذار بوده است.

آقا میرزامحمد مهدی غروی اصفهانی، در محرم الحرام سال ۱۳۰۳ ق در اصفهان به دنیا

آمد. پدرش آقا میرزا اسماعیل اصفهانی، در نه سالگی میرزامهدی در گذشت. بعد از درگذشت پدر، سرپرستی علمی میرزا را حاج آقا رحیم ارباب بر عهده گرفت. مدتی بعد، وی میرزا را برای ادامه‌ی تحصیل به عتبات فرستاد و توصیه کرد تا به آیه الله آقا سید اسماعیل صدر مراجعه کند. سال مهاجرت میرزا مهدی را حدود ۱۳۱۵ق ثبت کرده‌اند. میرزا در آن زمان دوازده سال داشت. سید اسماعیل صدر (۱۲۵۸-۱۳۳۸ق) فرزند فقیه بزرگ شیعه، آیه الله سید صدر الدین عاملی و از شاگردان میرزای شیرازی بوده است. (نک: جمعی از نویسندگان، ۱۱۱-۱۱۳)

مرحوم صدر از شاگردان مرحوم ملا فتح الله (علی) سلطان آبادی اراکی (حدود ۱۲۴۰-۱۳۱۸ق) است و ملا فتح الله از آنجا که مدتی با مرحوم حاج ملاحسینقلی همدانی (م ۱۳۱۱ق) مرتبط بوده (همانجا، ۱۳۱)، متأثر از اهل عرفان بوده و از اهل زهد و کرامات نیز به شمار می‌آید، اما سر سازشی با حکمت متعالیه نداشته و با گرایشات عرفانی وحدت وجودی مخالف بوده است. این منش فکری ملافتح الله را به وضوح در آثار شاگرد و ارادتمندان خاص وی می‌توان مشاهده کرد. (نک: همانجا، ۱۳۰-۱۴۲)

میرزا مهدی اصفهانی بعد از ارتباط با مرحوم صدر به نجف مهاجرت کرده و مدتی به خدمت مرحوم آیه الله سید احمد کربلایی (م ۱۳۳۲ق) می‌رسد. برخی نیز از ارتباط وی با شیخ محمد بهاری و سپس مرحوم قاضی در این دوره سخن گفته‌اند؛ اما - با توجه به ارتباط بعدی وی با مرحوم آقا سید جمال گلپایگانی - آنچه مسلم است اینکه مرحوم میرزا استفاده سلوکی چندانی از این بزرگان نکرده است.

به هر حال مرحوم میرزا در دوران اقامت در عراق در کنار تحصیل رسمی علوم همت خویش را صرف تهذیب نفس و پیمودن مراحل سیر و سلوک نیز نمود و تا آنجا پیش رفت که موفق به ورود در عالم معرفت نفس و تجرید و خلع بدن گردید. (نک: همانجا، ۱۸۶)

مرحوم میرزا در محضر مرحوم آقا سید جمال با اصرار اذکاری را از وی گرفته و به ریاضات شاقی مشغول گشت و ضعف بدنی و هوای گرم نجف و این ریاضات سنگین منجر به مکاشفاتی غلط برای مرحوم میرزا شد و پس از چندی سبب تردید وی در مسیر سلوک

گشت. در این اوان است که وی متوسل به وجود مقدس حضرت صاحب الامر عج می‌شود و طبق دست‌نوشته‌ای از آن مرحوم در این ایام در طی مکاشفه‌ای نامه‌ای به دستش می‌رسد که بر آن با خط نسخ حک شده «طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساقو لانکارهم» در پشت ورقه در گوشه چپ آن نوشته شده بود «و قد اقامنی الله و انا حجة بن الحسن». پس از این مکاشفه میرزا یک‌باره به اشتباه خویش پی می‌برد و این مکاشفه را به باطل بودن اساس سیر و سلوک و کشف و شهود تفسیر می‌نماید و زین پس نسبت به حکمت و عرفان به شدت به مبارزه و ستیز می‌شتابد و برخلاف آموزه‌های اساسی مکتب عرفانی نجف، نیاز به استاد و ارادت به او را با وجود حضرت امام زمان (عج)، باطل، و بلکه به تعبیر خود فعل مجانی می‌شمارد و استاد خود را در نجف رها می‌نماید. در همین ایام مریضی میرزا، مرحوم سید جمال با کمک مرحوم نائینی هزینه و مقدمات سفر میرزا به ایران را فراهم می‌کند و اینگونه میرزا مهدی به ایران می‌آید. مدت کوتاهی در تهران و سپس ساکن مشهد می‌شود ولی هرگز به عراق باز نمی‌گردد و ۲۵ سال عمر باقیمانده خویش را در مشهد اقامت می‌کند.

این ماجرا و این مکاشفه هم در نگاه تفکیکیان و هم در چشم مخالفان و منتقدان تفکیک بسیار با اهمیت است. دسته اول - با آن‌که بر بی‌اعتباری مکاشفات غیر معصوم اصرار می‌ورزند - آن را نقطه آغاز مکتب معارف و حیانی و ظهور علم مصوب بر بشر می‌دانند و متأسفانه برخلاف نوشته خود میرزا به این رؤیای ساده بال و پر فراوانی داده‌اند و در مقابل دیگران آن را سرآغاز انحراف شمارند. (نک: همانجا، ۳-۵ با تلخیص)

طهرانی معتقد است میرزامهدی سیر و سلوک را تاب نیاورد و در اثر وازدگی نفس و به واسطه عدم تحمل و عدم وصول در سلوک و از سر کین به این آراء معتقد شد. ایشان شخصیت میرزامهدی را مانند شیخ احمد احساسی می‌داند که پس از مدتی مراقبه و سیر و سلوک به واسطه همین وازدگی و سردی، حس بدبینی شدیدی نسبت به عرفاء و فلاسفه پیدا کرد و در کتب خود، آنها را به باد انتقاد گرفت. احساسی در عدم تجاوز از ظواهر

آیات، یک اخباری صرف بود که مکتب شیخیه را به راه انداخت و بالاخره به طور غیرمستقیم موجب پیدایش بهائیت و بایه گردید. (طهرانی، ۱-۳)

۲-۵. احتمالات ایجابی با رویکرد تأثیرپذیری از جریان‌های رایج روز

در این بخش به بررسی عواملی که به طور ایجابی بر ظهور و بروز دو مکتب اخباری و تفکیک تاثیر گذارده‌اند، می‌پردازیم:

۱-۲-۵. احتمالات ایجابی در ظهور مکتب اخباری

در این بخش به برخی از احتمالات ایجابی در زمینه ظهور مکتب اخباری اشاره می‌کنیم:

الف- ظهور مکتب اخباری تحت تأثیر رواج نصّ گرایي در جهان اسلام: در سده‌های متأخر با یک ویژگی کلی مواجه هستیم که آن، فاصله گرفتن از عقل‌گرایی و روی آوردن به نصّ‌گرایی است. این امر به صورت عامّ هم در شیعه و هم اهل سنت مشاهده می‌شود. اوج عقل‌گرایی در جهان اسلام در قرن چهار و پنج هجری قمری بوده که شاخصش امام محمد غزالی است و بعد از آن روند نزولی پیدا می‌کند تا اینکه در قرن نهم و دهم هجری تغییر مسیر یافته و با سرعت بیشتری به سمت نصّ‌گرایی پیش رفته و عقل‌گرایی به کناری نهاده می‌شود. (نک: پاکتچی، ۱۸۸) در نگاه جریان شناسانه از جمله شواهدی که بر این تأثیرپذیری دلالت دارد، عنوان «الفکر السلفی عند الشیعة الاثنی عشری» است که «الجابری» برای کتاب خویش برگزیده است. این عنوان اشعار به این دارد که از منظر او اخباریگری نوعی اندیشه سلفی است که همه چیز را به نصّ زمان صدور برمی‌گرداند. وی معتقد است این اندیشه سلفی در طول قرن یازدهم هجری بر قسمت اعظم بلاد فارس حکومت می‌کرده است و گرایش به حدیث و شروح آن مشخصه اصلی این قرن بوده است و این گرایش به مکتب فلسفی ایران نیز نفوذ یافته، به گونه‌ای که شخصیتی نظیر مولی محسن فیض کاشانی به عنوان نمونه و سمبل این اندیشه مطرح می‌شود (نک: جابری، ۳۲۵-۳۲۶). در حوزه‌ی

اهل سنت نیز بعد از ابن تیمیه که شخصیت دوگانه‌ای دارد، در دوره‌ی شاگردان او همچون «ابن قیم جوزی» شاهد اندیشه‌های نص‌گرایی هستیم. سپس در قرن نهم هجری، «ابن حجر عسقلانی» را داریم که موج نص‌گرایی را در اهل سنت گسترده ساخت. دو موج «ابن تیمیه» و «ابن حجر عسقلانی» با وجود تفاوت‌هایی که دارند، اما عملاً یک جریان گسترده‌ای را در اهل سنت به وجود آوردند که جهان اهل سنت را به جریان نص‌گرایی بیشتر سوق دادند. به طوری که یک دفعه در قرن سیزدهم با «محمد بن عبدالوهاب» بنیانگذار فرقه‌ی وهابیت مواجه می‌شویم. وی فرد بسیار افراطی در نص‌گرایی و گریز از عقل است. بنابراین هم در اهل سنت و هم شیعه شاهد غلبه جریان نص‌گرایی هستیم و اگر این جریان در شیعه نمود بیشتری دارد، به علت گستردگی حوزه‌ی اهل سنت است که اگر یک موج بخواهد در آن فراگیر شود، زمان زیادی را می‌گیرد در حالی که در جهان تشیع به علت اقلیت بودن آن، سریع‌ترش پیدا می‌کند. لذا جریان نص‌گرایی به سرعت در مناطق متعددی چون مصر، سوریه، ترکیه و شبه قاره هند به وجود آمد. یکی از علت‌های اهمیت پیدا کردن تفاسیر روایی در برهه‌ای از تاریخ یعنی عصر صفویه به بعد رواج نص‌گرایی و اخباری‌گری است و خیلی طبیعی است که افراد به جای تفسیرگرایی به سراغ روایات بروند. (نک: پاکتچی، ۱۸۸-۱۸۹) بنابراین به نظر می‌رسد مکتب اخباری تحت تأثیر جریان نص‌گرایی که در آن عصر، جهان اسلام را احاطه نموده بود، ظهور و بروز یافت.

ب- ظهور مکتب اخباری تحت تأثیر فلسفه حسّ گرای غرب: دو جریان فکری جمودآمیز که در تاریخ اسلام رخ داده است: یکی از آنها جریان خوارج است که مظهر جمود فکری در عصر خودشان بوده و دیگری جریان اخباری‌گری است. (نک: مطهری، ۱۱۱/۲۱) از احتمالاتی که در جستجوی ریشه‌های ظهور اندیشه اخباری‌گری در جهان اسلام مطرح می‌شود، تأثیرپذیری از جریان فلسفه حس‌گرا در اروپاست. شهید مطهری از قول آیه‌الله بروجردی نقل می‌کند که ایشان معتقد بودند، قول استرآبادی مبنی بر اینکه عقل فقط در اموری که مبدأ حسی دارند یا قریب به محسوسات‌اند، مثل ریاضیات، حجت است و در

غیر اینها حجت نیست، تقریباً مقارن بود با پیدایش فلسفه حسی در اروپا. آنها در علوم حجیت عقل را منکر شدند و این مرد در دین منکر شد. مطهری این قول را در سال ۱۳۲۲ش در بروجرد از آیه‌الله بروجردی شنیده‌اند و البته منتظر بودند در درس خارج ذیل مبحث حجیت قطع دوباره این مطلب را از ایشان بشنوند که آیه‌الله بروجردی چیزی در این باره مطرح نمی‌کنند. لذا در حدّ احتمال و غیر مستند باقی می‌ماند. البته شهید مطهری مدرکی در این زمینه پیدا نمی‌کنند و بسیار بعید می‌داند که این فکر حسی در آن وقت از غرب به شرق آمده باشد. البته از سویی معتقد است آیه‌الله بروجردی هم بی‌مدرک سخن نمی‌گفتند. (نک: مطهری، ۱۶۹/۲۰) البته به گواهی خود شهید مطهری اثبات این تأثیرپذیری کار مشکلی است هرچند برخی در تبیین این تأثیرپذیری معتقدند استرآبادی در مکه ارتباطات علمی با برخی اروپایی‌ها که به آنجا رفت و آمد می‌کردند، داشته است و موج فلسفه حسی از این طریق به او رسیده، ولی حقیقت آن است که اثبات این مقوله بسیار مشکل و غیرمستند است.

در مجموع می‌توان گفت مکتب اخباری با بهره‌گیری از بستر فکری مناسب که توسط پیشینیان فراهم شده بود، در فضایی مناسب به ترویج حدیث‌گرایی پرداختند. البته مقابله با حرکت افراطی عقل‌گرایی نیز عامل مهمی در ظهور و بروز این مکتب به حساب می‌آمد. ذیل مسأله تأثیرپذیری اخباری‌ها از مکتب حس‌گرایی غربی، باید گفت در مکتب تفکیک هم چنین بحثی مطرح است. تأکید بر عین‌گرایی در مکتب تفکیک وجود دارد. محمدرضا حکیمی در این زمینه می‌گوید: «قرآن کتابی عین‌گراست نه ذهن‌گرا، و به عینیت و واقعیت بها می‌دهد، نه جز آن، باید توجه کنیم، امر در همه سطوح این چنین است.» (نک: حکیمی، پیام جاودانه، ۱۴۱)

ج - ظهور مکتب اخباری تحت تأثیر اندیشه‌های «أحسائی»: مکتب فقیهان اهل حدیث که در اواخر سده چهارم و نیمه نخست سده پنجم قمری، با کوشش فقیهان اصول‌گرا ضعیف گردید، وجود محدود خود را در مجامع فقهی امامیه حفظ نمود تا آنکه در اوایل سده

یازدهم بار دیگر به وسیله محمد امین استرآبادی در قالبی نو مطرح شد. در این زمینه برخی معتقدند ابن ابی جمهور احساسایی (زنده در ۹۰۴ ق) صاحب کتاب «عوالی الثالی» از جمله کسانی بود که راه را بر اخباریان هموار گردانید (نک: حکیمی، الهیات الهی و الهیات بشری، ۳۶۶) او در رساله‌ای که با عنوان «العمل بأخبار أصحابنا» نگاشت، به اقامه ادله‌ای در این زمینه پرداخت. (نک: بجنوردی، ۱۶۰)

احساسایی در مشهد مناظرات معروفی با فاضل هروی داشته که میزبان این جلسات سیدمحسن رضوی (م ۹۳۱ ق) بوده است. (نک: بحرانی، ۱۶۶) البته برخی در ردّ انگاره زمینه‌سازی ابن ابی جمهور احساسایی برای اخباریگری مقاله‌ای تحقیقی نوشته‌اند و معتقدند با توجه به مولفه‌هایی از زمره نص گرایان خارج می‌شود؛ همچون:

الف - تأثیرپذیری احساسایی از مکتب محدثان و متکلمان حله به عنوان یک جریان عقل‌گرا

ب - تأثیرپذیری احساسایی از فلاسفه و متصوفه

ج - اعتماد به عقل در اعتقادات

د - اعتقاد به کاربرد عقل عملی و به رسمیت شناختن عقل به عنوان شرع داخلی و

موارد مشابه

به این ترتیب، می‌توان احساسایی را محدثی متکلم با رویکردهای عقل محور دانست. همچنین بر اساس قواعد تحلیل تاریخی، بر فرض که حتی احساسایی، یک اخباری قلمداد شود، برجسته کردن میزان تأثیر و نقش یک نفر در چنین پدیده بزرگی پذیرفتنی نیست. (نک: سلیمانی آشتیانی، ۵۲۲)

البته این‌گونه احتمالات در حدّ موجه جزئی می‌تواند در ظهور مکتب اخباری تأثیرگذار بوده باشد؛ اما در نگاه کلان محتمل است، دسته‌ای از این موارد در ظهور این مکتب تأثیرگذار بوده باشد.

۲-۲-۵. احتمالات ایجابی در ظهور مکتب تفکیک

در این قسمت تعدادی از احتمالات مطروحه در زمینه ظهور مکتب تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد که به نحو تأثیرپذیری از جریان‌های رایج روز بوده است.

الف- تاثیرپذیری از اخباریان متقدم فعال در حوزه مشهد و قزوین در سده قبل میرزاهدی اصفهانی و سید موسی زرآبادی: صد و اندی سال قبل از حضور میرزا مهدی اصفهانی در خراسان، شخصیت‌های مهمی از مکتب اخباری در مشهد سکونت داشتند. این پیشینه قطعاً در ظهور و بروز مکتب تفکیک تاثیرگذار بوده است و بزرگان تفکیک به مانند اخباریان از بستر آماده توسط پیشینیان بهره برده‌اند. به عنوان نمونه، ابن ابی جمهور احسایی چندین سال از عمرش را در مشهد زیسته است. (بحرانی، ۱۶۶)، میرزا محمد اخباری (۱۱۷۸-۱۲۳۲ق) از پایه‌گذاران مکتب اخباری مدتی را در مشهد سپری نمود. وی پیش از آن در شهرهای نجف، کربلا و کاظمین گذراند و محضر چند تن از علمای برجسته مانند آقا محمدعلی بهبهانی، میرزا مهدی شهرستانی و شیخ موسی بحرینی را درک نمود. از آن‌جا که وی مسلک اخباری را در پیش گرفته بود، با فقهاء و مجتهدان اصول از جمله شیخ جعفر نجفی، سید علی طباطبایی سخت درگیر شد و میان آنها دشمنی در گرفت. فشار اصولیان سبب شد تا میرزا محمد، عراق را ترک گوید و راهی ایران شود. وی مدتی را در مشهد و دیگر شهرهای ایران گذراند. وی در همین ایام کتابی چون «البرهان فی التکلیف و البیان» را نگاشت که در آن به بیان تکلیف و اسباب آن و اعتلای مسلک اخباری و ردّ مجتهدان پرداخته است. (نک: بجنوردی، ۱۵۷-۱۵۹)

شهر مشهد با سابقه حضور افرادی چون احسایی، میرزا محمد اخباری و شیخ حرّ عاملی صاحب وسائل الشیعه در پیشینه خود، بستر مناسبی برای ظهور تفکیکیان در سال‌های آینده شد؛ زیرا در آن سالها مبانی اخباریگری و توجه به اخبار ائمه در حوزه مشهد نهادینه شد.

از دیگر شواهدی که نشان می‌دهد خطه خراسان از دیر باز مهد تفکرات اخباریگری و اخبارگرایی بوده، رساله‌ای است که در قرن یازدهم و سالهای آغازین نزاع میان اخباریان و اصولیان در دفاع از مبانی اصولی و ردّ گفته‌های اخباریان توسط یک عالم اصولی از اهالی خراسان نگاشته شد. این رساله از معدود رساله‌هایی است که به زبان فارسی در شهر مشهد

فراهم آمده و لهجه خراسانی نویسنده در سراسر متن مشهود است. این امر نشان از رواج مسلک اخباریگری در حوزه خراسان و بالتبع در میان مردم آن دیار دارد. این رساله به استناد نوشته انجام آن در سال ۱۱۹۵ق، در سالهای زندگی سران منازعه اخباری و اصولی یعنی میرزا محمد اخباری (مقتول در ۱۲۳۲ق) و مرحوم وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ق) و شیخ جعفر کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ق) تدوین یافته است. صدور چنین نوشته‌هایی در ردّ اخباریان در حوزه خراسان، نشان از این دارد که آن سرزمین سخت درگیر اندیشه‌های اخباری بوده است که نویسنده چنین ردیه محکم و مستندی را به رشته تحریر در آورده است. (انصاری قمی، ۱۱۵-۱۴۷)

از دیگر شهرهای ایران که محلّ ظهور و بروز مکتب تفکیک بوده است، قزوین است. در سده ۱۱ تا ۱۳ قمری این شهر پایگاه مهمی برای مکتب اخباری بوده است. ملا خلیل بن غازی قزوینی (۱۰۸۹-۱۰۰۱ق) معروف به «برهان العلماء» در این شهر سکونت داشته و مریدان و شاگردانی را پرورش داده است. (نک: ۱۳۷۵، ۱۶۲)

ایشان از متکلمان، اصولیان و محدثان عصر شاه عباس صفوی و از شاگردان شیخ بهایی و میرداماد است. وی پس از شاگردی این اساتید، در مشهد مقدس رحل اقامت نمود و نزد «مولی حاجی حسین یزدی»، حاشیه قدیم «ملا جلال دوانی» بر شرح تجرید قوشجی را قرائت نموده است. از دیگر اساتید ملا خلیل، «امیر ابوالحسن قائنی مشهدی» است. اکثر بزرگان قزوین در آن دوره شاگردی او را نموده‌اند. وی گرایش زیادی به اخبار داشت و در اخبار غوطه‌ور بود. وی همچنین با فلاسفه مخالف بود که در دو شرح خود بر کافی در موارد متعدد بدان تصریح نموده است. (موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت ع، دانشنامه اسلامی، ذیل مدخل ملا خلیل قزوینی) اندیشه‌های اخباریگری توسط ملا خلیل و شاگردانش تا سده آینده در قزوین باقی ماند و افرادی همچون سید موسی زرآبادی (۱۲۹۴-۱۳۱۸ق) و شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی (۱۳۰۵-۱۳۸۰ق) و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (۱۳۱۸-۱۳۴۶ش) و ابوالحسن حافظیان خراسانی (۱۲۸۲-۱۳۶۰ش) که همراه با حاج شیخ مجتبی قزوینی در سال ۱۳۴۸ق، به قزوین سفر نمود و از محضر سید

موسی زرابادی بهره برد، (همان، ذیل مدخل سیدموسی زرابادی) همگی در بستر پیشینیان اخباری خویش به مکتب تفکیک متمایل شده و معتقدند تنها راه رسیدن به معارف راه کتاب و سنت (اخبار معصومین ع) است.

ب- تأثیرپذیری از جریان فلسفه افلاطونی: جریان‌های فکری در میان مذاهب اسلامی، به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: یکی، گروه‌های تعقل‌گرا همچون معتزله و فیلسوفان مسلمان؛ دوم، گروه‌های نقل‌گرا چون اشاعره و اهل حدیث.

خاستگاه این تقسیم‌بندی در میان اهل سنت بوده است؛ اما در مکتب تشیع، گروهی از متکلمان و فقیهان را می‌توان نقل‌گرا یا عقل‌ستیز نامید. اصل بنیادین مشترک در میان همه جریان‌های عقل‌ستیز، عدم استفاده از روش عقلی در تفسیر و فهم کلام وحی است. حکیمان و معتزله در تلاش بودند سخن خداوند را در پرتو اصول عقلی بفهمند؛ اما اهل حدیث و این طیف از جریان‌های فکری، در همان فضایی زندگی می‌کردند که در عصر نزول وحی حاکم بود. مسلمانان در این فضا با نوعی استماع و تسلیم، بدون تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های وحیانی، آنچه را از طریق وحی می‌شنیدند، می‌پذیرفتند. این گروه فکری به ظواهر کتاب و سنت متعبد بودند. ظهور این‌گونه فهم و تفسیر شریعت در مکتب تشیع پس از یک دوره شدید عقل‌گرایی در کلام و فقه شیعه در قالب اخباری‌گری خود را نشان داد. در این فضای فکری و فرهنگی «بحارالانوار» تدوین شد. از این رو می‌توان مدعی شد که اصول کلی اندیشه تفکیکیان براساس مباحث کلامی علامه مجلسی استوار است. تفکیکیان چون اشاعره و برخلاف اهل حدیث و اخباری‌ها تلاش دارند در اثبات ناتوانی روش عقلانی در فهم و تفسیر کتاب و سنت از مفاهیم عقلی و فلسفی کمک بگیرند. به همین دلیل در بسیاری از آثار و تحقیقات آنها مباحث فلسفی آورده و مورد مناقشه قرار می‌گیرد. در این جهت تفکیکیان برخی مفاهیم فلسفی در فلسفه افلاطونی را که استعداد تفسیر دینی دارند و توسط شیخ اشراق صورت و سیمای دینی یافته بود، به استخدام در آوردند تا بتوانند نظریه‌ای درون دینی را تدوین کنند. در واقع اهل تفکیک به

انگیزه اثبات ناتوانی عقل فلسفی در قلمرو تفکر دینی به راهی کشیده شدند که می‌توان آن را صورت دیگری از فلسفه ورزی دانست. (ابراهیمی دینانی، حکیمی و دیگران، ۲۵۵-۲۵۶؛ از مقاله مکتب تفکیک و افلاطون، محمد عیسی نژاد)

۲-۳. حرکات پیش گیرانه به دلیل نگرانی از آلودگی و تحریف اندیشه خالص دینی
در بررسی‌های تطبیقی به عمل آمده، اینگونه حاصل شد که هر دو مکتب اخباری و تفکیک از آلوده شدن مباحث دینی و تحریف آنها به شدت نگران بودند.
از عوامل ظهور مکتب اخباری، ارتباط با جنبش فلسفی آن عصر بود. اخباری‌گری با فلاسفه آن روزگار ارتباط نزدیک داشته، جلال‌الدین دوانی، ملاصدرا و میرفندرسکی در آن دوره می‌زیسته‌اند، مثلاً ملاصدرا حملات تندی به حدیث‌گرایان داشته است. در چنین فضایی که نوعی توجه به ظاهر افراطی و توهین به کسانی که پایبندی به متن دارند، صورت می‌گیرد، به طور طبیعی زمینه مناسبی برای گسترش افکار مختلف فراهم می‌آید.
از سوی دیگر افرادی مانند ملاصدرا که الان آنها را به عنوان صاحب حکمت متعالیه می‌شناسیم، در آن عصر، فیلسوفی مشایی با دستمایه صوفیانه بوده‌اند. و با توجه به منشا یونانی فلسفه، عده‌ای نگران بودند که اندیشه خالص دینی، دستخوش تحریف شود و مفهومی غیر دینی لباس دین بر تن کند. این عامل از عوامل موثر در ایجاد اندیشه اخباری‌گری بود تا باعث صیانت معارف دینی از دستبرد و تحریف شود. (الویری، ۱)
از دغدغه‌های اصلی مکتب تفکیک نیز، ناب‌سازی و خالص‌مانی شناخت‌های قرآنی و سره فهمی این شناخت‌ها و معارف است به دور از تاویل و مزج با افکار و نحله‌ها و تفسیر به رأی، تا حقایق وحی از تغییر مصون بماند و با داده‌های بشری در نیامیزد. (حکیمی، مکتب تفکیک، ۴۷)

این دغدغه بارها در کلام اهالی تفکیک مطرح شده و از اندیشه‌هایی است که در ظهور این مکتب تاثیر گذار بوده است.

۶- نتایج مقاله

نوشتار حاضر برای اثبات یا ردّ این نظریه که مکتب تفکیک همان اخباریگری مدرن است، ترتیب یافته است. برای رسیدن به صحت یا سقم این نظریه می‌توان از جهات مختلف، از جمله خاستگاه پیدایش، مبانی تفسیری، مبانی فقهی و ... به بررسی تطبیقی دو مکتب پرداخت تا این همانی دو مکتب ثابت گردد. در این مقاله تنها به جهت اول یعنی خاستگاه پیدایش دو مکتب پرداخته‌ایم. در طی بررسی مقارنه‌ای انجام شده، این نتیجه حاصل شد که دو مکتب اخباری و تفکیک از نظر روح کلی حاکم بر پیدایش آنها، بسیار مشابه بوده‌اند و با رویکرد حفاظت از منابع اصیل و حیانی در مقطعی از تاریخ تفکر شیعی به منصف ظهور رسیده‌اند. در حقیقت خاستگاه اصلی پیدایش دو مکتب، مقابله با جریان افراطی‌ای بود که تقریباً کتاب و سنت را وانهاده و مشغول مباحث عقلی و فلسفی شدند. بنابراین، هرچند محتمل است این دو مکتب در بسیاری از مبانی فقهی و تفسیری، تفاوت‌های اساسی داشته باشند؛ اما از جهت روح حاکم بر پیدایش و ظهور دو مکتب بسیار مشابه بوده‌اند.

کتابشناسی

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، «در نقد مکتب تفکیک»، به کوشش سید باقر میر عبداللهی و علی پورمحمدی، نگاهی به مکتب تفکیک، تهران، انتشارات همشهری، صص ۲۹۸-۲۹۹، ۱۳۸۴ ش.
۲. همو، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، تهران، طرح نو، جلد سوم، ۱۳۸۹ ش.
۳. السویری، محسن، «نو اخباری‌گری توهم یا واقعیت»، پگاه حوزه، ش ۱۸۷، ۳۱ تیرماه، ۱۳۸۵ ش.
<http://www.hawzah.net/fa/Magazine>
۴. انصاری قمی، محمدرضا (محقق)، «رساله‌ای در رد دیدگاه اخباریان»، پژوهش‌های اصولی، سال چهارم، ش ۱۲، بهار، از ص ۱۱۵-۱۴۷، ۱۳۹۱ ش.
۵. ایزدی مبارکه، کامران و سید محمدهادی گرامی، «اصطلاح اخباری در سیر تحول مفهومی» حدیث پژوهی، کاشان، ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۴۸-۱۵۳، ۱۳۸۹ ش.
۶. بحرانی، یوسف بن احمد، لولوء البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، نجف. بی‌جا، ۱۳۸۵ ق.
۷. پاکتچی، احمد، تاریخ تفسیر، تنظیم: محمد جان‌پور، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۰ ش.
۸. تهنوی، محمد علی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون، تصحیح: مولوی محمد وجیه و مولوی عبدالحق، استانبول، دار قهرمان، ۱۴۰۴ ق.
۹. جابری، علی حسین، الفكر السلفی عند الشیعة الاثنا عشریة، قم، دارالاحیاء، ۱۳۶۷.
۱۰. جمعی از نویسندگان، با مقدمه محمدرضا حکیمی، احیاگر حوزه خراسان (میرزامهدی اصفهانی)، تهران، نشر آفاق، ۱۳۹۴ ش.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، پیام جاودانه، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. همو، محمدرضا حکیمی، الهیات الهی و الهیات بشری، قم، دلیل ما، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. همو، مکتب تفکیک، قم، دلیل ما، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. همو، اجتهاد و تقلید در فلسفه، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. حلی، یوسف کرکوش، تاریخ الحلة فی الحیاة الفکریة، قم، مکتبه الحیدریة، ۱۳۸۸.
۱۶. خرمشاهی، بهاء الدین، «مکتب تفکیک، پیشگام استقلال معرفت‌شناسی دین»، به کوشش سیدباقر میرعبداللهی و علی پورمحمدی، نگاهی به مکتب تفکیک، تهران، انتشارات همشهری، ص ۷۷، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. خسروپناه، عبدالحسین، جریان‌شناسی فکری و فرهنگی ایران معاصر، تهران، نشر موسسه حکمت نوین اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۱۸. رامین، علی و همکاران، دانشنامه جهان گستر، تهران، دانش گستر روز، ج ۱۰، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. سلیمانی آشتیانی، مهدی، «مقاله ردّ انگاره زمینه‌سازی ابن ابی‌جمهور احسائی برای اخباری‌گری»، پژوهش‌نامه تقلین، پاییز، دوره دوم، ش ۳، ص ۵۲۲ (از صص ۴۹۹-۵۲۸)، ۱۳۹۴ ش.

۲۰. سیدان، جعفر، «آموزش اجباری فلسفه در حوزه»، مصاحبه فصلنامه محفل، ۳۰ آبان، ۱۳۹۳ ش.
۲۱. همو، مدخل «زندگینامه»، پایگاه اطلاع‌رسانی سیدان، www.seyyedan.com.
۲۲. شفیعیان، روح‌الله، «میرزامهدی اصفهانی»، سایت عرفان و حکمت در پرتو قرآن و عترت، انتشار مطب در ۱۳ رجب ۱۴۳۵، روزرسانی ۷ ذی الحجه، ۱۴۳۷ ق، ۱۴۳۵ ق. <http://erfanvahekmat.com/>.
۲۳. صدر حاج سیدجوادی، احمد و دیگران، دایرة المعارف تشیع، تهران، نشر شهید محبی، جلد پنجم، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. صدر، محمدباقر، المعالم الجديدة للاصول، تهران، مکتبه النجاح، ۱۳۹۵ ق.
۲۵. طباطبایی، سید مهدی، «تداوم و اصالت در مکتب شیعی: ارتباط مکتب اخباری و مکتب تفکیک»، مجله فقه، سال نوزدهم، ش ۷۴، زمستان، ۱۳۹۱ ش.
۲۶. طهرانی، سیدمحمدحسین، «ذیل دسته مخالفان عرفان و حکمت، میرزا مهدی اصفهانی»، سایت نور مجرد، دانشنامه تخصصی آثار و احوال علامه طهرانی / <http://nooremojarrad.com/> (۲۰ تاریخ دریافت: اسفند ۱۳۹۵).
۲۷. عیسی‌نژاد، محمد، «مکتب تفکیک و افلاطون»، به کوشش سیدباقر میرعبداللہی و علی پورمحمدی، نگاهی به مکتب تفکیک، تهران، انتشارات همشهری، ص ۲۵۳، ۱۳۸۴ ش.
۲۸. لاریجانی، صادق، «مکتب تفکیک در بوتہی نقد»، به کوشش سیدباقر میرعبداللہی و علی پورمحمدی، نگاهی به مکتب تفکیک، تهران، انتشارات همشهری، ص ۱۸۳، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (فقه و حقوق)، قم، ج ۲۰، نسخه نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت ع، بی‌تا.
۳۰. همو، مجموعه آثار (فقه و حقوق)، قم، ج ۲۱، نسخه نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت ع، بی‌تا.
۳۱. ملکی میانجی، محمدباقر، توحید الامامة، تهران، موسسه الطباعة و النشر، ۱۴۱۵ ق.
۳۲. ملکی میانجی، علی، «مکتب تفکیک، قرآن، عرفان، برهان»، بینات، ش ۳۹ و ۴۰، سال دهم، ص ۲۶۹.
۳۳. موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت ع، دانشنامه اسلامی، <http://wiki.ahlolbait.com>.
۳۴. موسوی بجنوردی، کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، موسسه حیان، ۱۳۷۵ ش.
۳۵. وکیلی، هادی، «تاریخچه مکتب تفکیک»، کتاب نقد، سال چهاردهم و پانزدهم، شماره ۶۵-۶۶، زمستان ۱۳۹۱ و بهار ۱۳۹۲، ۱۳۹۱ ش.

